

گزارش

بازنمایی ابعادی از تاریخ تئاتر اصفهان

برنامه نمایش و تحلیل مستند «هنوز…» ساخته مهرداد صادقی در شصتمین برنامه از سلسله جلسات فیلم‌تئاترهای سینماتک خانه هنرمندان ایران، عصر چهارشنبه ۶ آبان ۱۴۰۵ در سالن استاد ناصری برگزار شد. پس از نمایش این مستند، مهرداد صادقی کارگردان، سیدحسین رسولی منتقد تئاتر و مزدا عسکری فرزند زنده‌یاد ژاله رجایی و راوی مستند، پشت تریبون قرار گرفتند و به تحلیل اثر پرداختند. سیدحسین رسولی، منتقد تئاتر، پس از تماشای این مستند آرشویی با محوریت تئاتر اصفهان و روایت زبانه آن، با ابراز علاقه به تاریخ تئاتر بیان کرد: این مستندهای آرشویی و سؤزه‌های زبانه که روایتی ستایش‌آمیز دارند و به جای انتقاد و افشاگری، ستایش را محور قرار می‌دهند، برای من بسیار جذاب هستند و در این مستند نیز از روایت اثر در اصفهان و دوره خوش تاریخی آن لذت بردم. او با اشاره به پیوند عمیق خود با تئاتر و نگارش یادداشت‌هایی درباره تاریخ تئاتر ایران، افزود فرم فیلم و روایت آرشویی آن فضایی دلنشین آفریده است. مهرداد صادقی، کارگردان مستند، درباره روند ساخت این اثر و مواجهه‌اش با سؤزه بیان کرد: جذابیت اصلی کار برای من در این بود که با وجود سبک و تدریس در حوزه تئاتر، ترجیح دادم پیش از شروع کار، اطلاعات زیادی کسب کنم و مانند کسی که چیزی نیمه‌دان دارد ماجرا شوم تا همان کنج‌گاو و هیجان اولیه حفظ شود. او با اشاره به مضمون محوری مستند افزود: در جریان ساخت این اثر، موضوع فراموشی به شکلی عمیق خودش را نشان داد؛ هم خانم ژاله رجایی دچار فراموشی شده بود و هم تصاویر و حافظه تئاتری اصفهان در حال محوشدن بود که این ویژگی فضایی شبیه به ازدست‌رفتن حافظه جمعی را تداعی می‌کرد. سیدحسین رسولی با اشاره به رویکرد خود در مواجهه با تاریخ و حافظه، بیان کرد: جمله معروف میلان کوندرا که می‌گوید مبارزه، مبارزه خاطره و فراموشی است، همیشه برای من تعریف درستی از مستند بوده است؛ زیرا مستندهای تاریخی واقعا با فراموشی می‌جنگند و در حالی که تاریخ ممکن است خشک و بی‌روح باشد، با اتکا به خاطره زنده می‌شود. صادقی در این بخش گفت: برای من بسیار جذاب بود که توانستم از طریق سؤزه، ابعادی از تاریخ تئاتر اصفهان با تمرکز بر زنده‌یاد علی‌محمد رجایی و دخترانش را به تصویر بکشیم و روایتی ملموس از گذشته که چیزی کارگردان مستند، درباره بازسازی تجربه زیسته گذشته و نحوه مواجهه با اسناد آرشویی توضیح داد: تلاش‌م بر این بود که اجراها و بازی‌های ۸۰، ۷۰ سال پیش صرفا روایت نشوند، بلکه به عنوان بازنمایی یک آرشوی تجربه‌شان کنیم و زندگی جریان داشته باشد. او با اشاره به نحوه برخورد با عکس‌ها و مدارک قدیمی افزود: وقتی عکس آرشویی را دستم می‌گیریم و مدت‌های زیادی به جزئیات آن نگاه می‌کنیم، اطلاعات موجود در خود عکس و نشانه‌های روی آن به بخشی از تجربه زیسته آدم تبدیل می‌شود، زیرا عکس ابزار بسیار قدرتمندی برای بازی با حافظه است. رسولی، منتقد تئاتر، ضمن تمجید از مستندهای جذاب و سؤزه‌های غیرمرسوم، با اشاره به رویکرد فرمی اثر درباره جایگاه سؤزه بیان کرد: برخی منتقدان با رویکردهای فمینیستی ممکن است این ابراد را مطرح کنند که سؤزه در مستند گاهی به حاشیه می‌رود و مداخله اعضای خانواده، اطرافیان و تاریخ تئاتر در روایت اخلال ایجاد می‌کند، اما من خودم این سبک از حضور و یوایی افراد مختلف را می‌پسندم. او افزود: این ویژگی‌ها در کنار جذابیت‌های خود سؤزه، فضایی زنده و تأثیرگذار خلق می‌کند که تماشای اثر را دلنشین می‌کند. مهرداد صادقی، کارگردان مستند، درباره روند تولید این اثر و تأثیر عمیق آن بر زندگی خود و سؤزه‌هایش بیان کرد: در طول ساخت این فیلم انکار من هم‌زیستی عمیقی با آقای رجایی پیدا کرده بودم و از انرژی و از خودگذشتگی ستایش‌برانگیز او الهام می‌گرفتم تا به‌جای ورود به نقد همه‌جانبه تئاتر اصفهان، بر محور خانواده رجایی و ادامه این مسیر تمرکز کنیم. او با اشاره به نمایش فیلم در سیتی سنتر اصفهان و حضور زنده‌یاد ژاله رجایی افزود: پس از اکران فیلم و طرح مباحثی درباره تک‌صدایی‌شدن تئاتر اصفهان، فضای تازه‌ای شکل گرفت و چند هفته پیش از درگذشت خانم رجایی، این اثر فرصتی فراهم کرد تا یاد و خاطره او دوباره زنده شود؛ چنان‌که فرزندان مزدا عسکری در مراسم تسنیع مادر، به من گفت تمام این جریان باعث شد مادرش از فراموشی نجات پیدا کند و نامش بار دیگر سر زبانه‌ها بیفتد. صادقی با اشاره به تحولات تاریخی تئاتر اصفهان خاطرنشان کرد: پیش از ورود گسترده سینما، تئاتر در دوران رجایی ساختاری آکادمیک داشت، نیرو تربیت می‌کرد و به صورت گروهی اداره می‌شد، اما پس از تبدیل‌شدن به فضایی تک‌صدایی و وابستگی به چهره‌های منفرد، این بنیان آموزشی و فعالیت‌های گروهی گسترده کم‌رنگ شد. مهرداد صادقی، کارگردان مستند «هنوز…» در واکنش به بحث پیرامون میزان هنر و کالا در دنیای امروز بیان کرد: این پرسش که آیا آنچه خلق می‌کنیم هنر است یا کالا، پاسخی قطعی ندارد و من ترجیح دادم آن را به عنوان یک پرسش باز در اثر مطرح کنم، اما در این زمینه رجوع به آرای هایدگر در کتاب «سراسر کار هنری» راهگشاست. رسولی، منتقد تئاتر، درباره ماهیت آرشو و رویکرد مستندسازی در انتخاب و چینش اسناد بیان کرد: آرشوها همان طوطی و پرندگان خاطره را حفظ می‌کنند، دست به حذف نیز می‌زنند و کار کارگردان مستند شباهت زیادی به تهیه نوارهای گلچین قدیمی دارد که از میان گزینه‌های مختلف دست به انتخاب می‌زند. او با اشاره به منابع آرشویی به‌کاررفته در فیلم افزود: این مستند اکنون به منبعی ارزشمند برای پژوهشگران تاریخ تئاتر اصفهان و خانواده رجایی تبدیل شده است، اما این پرسش همواره مطرح است که در مواجهه با نظرات سؤزه و خانواده‌اش، کارگردان تا چه اندازه ناچار به اعمال حذف یا اضافه در تدوین نهایی شده است. کارگردان «هنوز…» در پاسخ به پرسش مطرح‌شده درباره میزان اعمال نظر خانواده سؤزه و چالش‌های تدوین توضیح داد: خانواده زنده‌یادان علی‌محمد رجایی و ژاله رجایی سخت‌گیری خاصی روی حذف یا اضافه‌کردن بخش‌ها نداشتند و وقتی به آنها گفتیم این روند واقعیت زندگی شماست، مراد را آزادی کامل قرار دادند. او با اشاره به دخالت ناخودآگاه نگاه شخصی خود در اثر افزود: هرچقدر تلاش کردم با فاصله و بدون قضاوت بایستم، باز هم اندیشه و زاویه دید خودم در فیلم جاری شد؛ از جمله حس انتقاد نسبت به رواج بیش از حد لوگوی و طنز شیرین‌محور در تئاتر اصفهان که ناخودآگاه در کار بازتاب یافت.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

نگاهی به سالن‌های نمایش پایتخت

تجربه‌های تازه در سالن‌های کوچک



بهناز شیربانی: سالن‌های نمایش پایتخت مدت‌هاست میزبان تماشاچیان گسترده‌ای هستند. برنامه پاییزی مجموعه تئاتر شهر نشان می‌دهد که آبان‌ماه قرار است فصل پرخطابی برای این مجموعه باشد. از آثار تاریخی و روایت‌های کلاسیک تا نمایش‌های معاصر و تجربه‌های متفاوت، طیف متنوعی از اجراها در تالارهای مختلف این مجموعه پیش‌بینی شده است. در کنار آن، تماشاخانه‌های خصوصی و سالن‌های مستقل نیز با ادامه اجراها و معرفی آثار تازه، سهم خود را در شکل‌دادن به فضای نمایشی تهران ایفا می‌کنند. مجموعه تئاتر شهر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز هنرهای نمایشی کشور، در پاییز امسال میزبان مجموعه‌ای از آثار متنوع است. نمایش «کورش» به نویسندگی و کارگردانی نادر برهانی‌مند که از پایان شهریور در تالار اصلی روی صحنه رفته، یکی از اجراهای شاخص این مجموعه است. حضور بازیگرانی همچون حمیدرضا آذرنگ، روزبه حصاری و امین میری در این اثر، آن را به یکی از اجراهای مورد توجه فصل تبدیل کرده است.این نمایش، مخاطب را به مواجهه با روایتی تاریخی دعوت می‌کند؛ روایتی که در آن گذشته، نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از وقایع سیری‌شده، بلکه به‌مثابه بستری برای بازخوانی مسائل امروز قابل بررسی است. در تالار چهارسو نیز نمایش «خسرو پرویز» به نویسندگی و کارگردانی سهند خیرآبادی از ششم آبان اجرای خود را آغاز کرده است. این اثر با حضور بازیگرانی همچون شقایق فراهانی و مسعود کرامتی، یکی از آثار تازه مجموعه تئاتر شهر است. تالار قشقایی در آبان میزبان مجموعه‌ای از آثار زهرآ صبری است. نمایش «زمین و چرخ» از پنجم آبان اجرای خود را آغاز کرد و پس از آن دو اثر دیگر این کارگردان با عنوان‌های «بشنو» و «آیا یک بشمار» در همین تالار روی صحنه خواهند رفت. در تالار سایه نیز نمایش «تن و دیگر تکه‌پاره‌های عشق» به کارگردانی رضا بهکام از ششم آبان آغاز شده است. این اثر با ترجمه مازنیار نیستانی و بازی سازان آقایی، کامران طاهری و سحر دیده‌ور، یکی دیگر از اجراهای تازه مجموعه تئاتر شهر است. در کارگاه نمایش نیز «ساوانابای» به کارگردانی یاسر متاجی و بر اساس متنی از مارگریت دوراس، از پنجم آبان میزبان مخاطبان است. حضور این اثر در کنار دیگر اجراهای پاییزی، نشان‌دهنده تنوع متن‌ها و شیوه‌های اجرایی در مجموعه تئاتر شهر است. در کنار مجموعه تئاتر شهر، تماشاخانه‌های خصوصی تهران نیز به بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات تئاتری پایتخت تبدیل شده‌اند. پردیس تئاتر شهرزاد، تماشاخانه ایرانی‌شهر، سالن‌های مستقل و مجموعه‌های کوچک‌تر، هر یک در مقاطع مختلف میزبان نمایش‌هایی هستند که از نظر موضوع، شیوه اجرا و ترکیب بازیگران تفاوت‌های درخور توجهی با یکدیگر دارند. در پردیس تئاتر شهرزاد، نمایش «فین‌جین» به تهیه‌کنندگی محمود مداحی دور پنجم اجرای خود را از اول مهر آغاز کرده است. همچنین نمایش موزیکال «هدیه سحرآمیز» از دوم آبان در سالن شماره سه شهرزاد و در ساعت ۱۷ میزبان مخاطبان کودک و نوجوان است. حضور آثار ویژه این

گروه سنی در کنار اجراهای عمومی، نشان‌دهنده توجه بخشی از سالن‌های خصوصی به گسترش مخاطبان تئاتر در میان نسل‌های کم‌سن‌تر است. در عمارت نوفل‌لوشاتو نیز نمایش «استیو جابز» به نویسندگی و کارگردانی مهران رنجبر از ۲۶ مهر در سالن یک آغاز شده است. در تماشاخانه هامون نیز نمایش «شول/با/سی» به نویسندگی و کارگردانی عقیل زمانی تا چهارم تا چهاردهم آبان در سالن دوم اجرا می‌شود. در گروه بازیگران این نمایش نام‌هایی همچون امیرعلی برمکی، امیررضا جاور، عسل چرمچی، آهو حسن‌زاده، آرین راد، سایه سررائیان، آریا صادقی، ارشیا صادقی، دیانا فتاحی، مریم کهزیزی، مهسا مناری‌زاده و علی نوروزی دیده می‌شود. در تماشاخانه ایران‌شهر نیز نمایش «تیرنگ‌بازها» نوشته ناصر حبیبیان و احسان ملکی از سیزدهم آبان در همین سالن و ساعت ۱۹ روی صحنه خواهند رفت.این اثر ازجمله اجراهای تازه‌ای است که قرار است در ادامه برنامه پاییزی ایران‌شهر به مخاطبان عرضه شود. امین گلستانه، نویسنده و کارگردان تئاتر که نام جهان انیمیشن در صحنه با او گره خورده، سومین و بزرگ‌ترین پروژه‌اش با نام «درون بیرون: فرمانده گمشده» را تا مدتی دیگر در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌برد. گلستانه پیش از این، نمایش‌های «هتل ترانسسیلوانیا شعبه در ایران» و «کارخانه هیولاه‌ها» را به تهیه‌کنندگی صدیقه صحت روی صحنه برده است. این هنرمند پیش از این با نمایش «هتل ترانسسیلوانیا» در ۱۱ ماه اجرا توانست به فروش ۱۰ میلیارد تومانی برسد و همچنان لقب پر فروش‌ترین نمایش تاریخ تئاتر کودک و نوجوان ایران را به دوش بکشد. نمایش «درون بیرون: فرمانده گمشده» وارد مرحله پیش‌تولید شده و گروهی از صدایگانی که کودکان صدای آنها را از انیمیشن‌های

گروه سنی در کنار اجراهای عمومی، نشان‌دهنده توجه بخشی از سالن‌های خصوصی به گسترش مخاطبان تئاتر در میان نسل‌های کم‌سن‌تر است. در عمارت نوفل‌لوشاتو نیز نمایش «استیو جابز» به نویسندگی و کارگردانی مهران رنجبر از ۲۶ مهر در سالن یک آغاز شده است. در تماشاخانه هامون نیز نمایش «شول/با/سی» به نویسندگی و کارگردانی عقیل زمانی تا چهارم تا چهاردهم آبان در سالن دوم اجرا می‌شود. در گروه بازیگران این نمایش نام‌هایی همچون امیرعلی برمکی، امیررضا جاور، عسل چرمچی، آهو حسن‌زاده، آرین راد، سایه سررائیان، آریا صادقی، ارشیا صادقی، دیانا فتاحی، مریم کهزیزی، مهسا مناری‌زاده و علی نوروزی دیده می‌شود. در تماشاخانه ایران‌شهر نیز نمایش «تیرنگ‌بازها» نوشته ناصر حبیبیان و احسان ملکی از سیزدهم آبان در همین سالن و ساعت ۱۹ روی صحنه خواهند رفت.این اثر ازجمله اجراهای تازه‌ای است که قرار است در ادامه برنامه پاییزی ایران‌شهر به مخاطبان عرضه شود. امین گلستانه، نویسنده و کارگردان تئاتر که نام جهان انیمیشن در صحنه با او گره خورده، سومین و بزرگ‌ترین پروژه‌اش با نام «درون بیرون: فرمانده گمشده» را تا مدتی دیگر در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌برد. گلستانه پیش از این، نمایش‌های «هتل ترانسسیلوانیا شعبه در ایران» و «کارخانه هیولاه‌ها» را به تهیه‌کنندگی صدیقه صحت روی صحنه برده است. این هنرمند پیش از این با نمایش «هتل ترانسسیلوانیا» در ۱۱ ماه اجرا توانست به فروش ۱۰ میلیارد تومانی برسد و همچنان لقب پر فروش‌ترین نمایش تاریخ تئاتر کودک و نوجوان ایران را به دوش بکشد. نمایش «درون بیرون: فرمانده گمشده» وارد مرحله پیش‌تولید شده و گروهی از صدایگانی که کودکان صدای آنها را از انیمیشن‌های

نقد و نظری بر نمایش «یک شب، هزار شب» به کارگردانی علی یداللهی

تلاش برای زنده‌نگه‌داشتن سنت‌های نمایشی ایرانی

عناصر استفاده کند؛ مسئله این است که این اجزا تا چه اندازه در خدمت یک خط دراماتیک واحد قرار گرفته‌اند. برای نمونه، بخش دانمارک اگر پیوند محک‌تری با فضای دربار سلطان و داستان اصلی پیدا می‌کرد، می‌توانست از یک بخش جدا افتاده به جزئی معنادار از ساختمان کلی نمایش تبدیل شود. در شکل فعلی، این بخش به همان پرانگندگی روایی دامن می‌زند؛ پرانگندگی‌ای که باعث می‌شود برخی ظرفیت‌های خوب نمایش به اندازه کافی به نتیجه نرسند. این مسئله در پایان نمایش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مخاطب در طول اجرا، با فضایی آمیخته از موسیقی، شوخی، رقص و سیاه‌بازی، ناخودآگاه انتظار نوعی گشایش را پیدا می‌کند. شاید انتظار دارد سلطان تغییر کند، دختر نجات پیدا کند، عاشق و معشوق به یکدیگر برسند یا دست‌کم کشمکش به شکلی معنادار به نقطه پایانی برسد. اما پایان، درست برخلاف این انتظار حرکت می‌کند؛ سلطان دستور می‌دهد دختر را به حرمسرا ببرند و سیاه، به‌جای وصال، با ناله «هوار هوار، بردند دار و ندار ما رو…» برده‌قاش می‌کند. این پایان تلخ می‌تواند خوشایند آگاهانه از شکستن انتظار تماشایی باشد؛ تصادی میان فرم شاد و آشنای سیاه‌بازی و واقعیت تلخ قدرت. اما برای آنکه این گسست به یک انتخاب کاملاً دراماتیک تبدیل شود، به نظر می‌رسد زمینه‌سازی روایی بیشتری لازم است. در غیر این‌صورت، پایان ممکن است بیش از آنکه همچون ضربه‌ای ترازیک فرود بیاید، ناگهانی احساس شود. در اینجا مسئله «بیش‌پایان» نیز مطرح می‌شود. نمایش، تماشاگر را وارد مرحله‌ای نمی‌کند که احساس کند کشمکش اصلی به نقطه جمع‌بندی رسیده و حالا باید منتظر فرجام نهایی باشد. گویی آنچه در ذهن مخاطب می‌توانست پیش‌پایان باشد، ناگهان خود پایان می‌شود. البته نبود یک پیش‌پایان مشخص، به خودی خود ایراد نیست. نمایش می‌تواند آگاهانه درست در لحظه شکست، برده را پایین بیاورد. پرسش اصلی این است که آیا این انتخاب با منطق روایی پیشین هماهنگ شده یا نه. از سوی دیگر، نمی‌توان صرفاً به پشتوانه ظرفیت ذاتی سیاه‌بازی، خنده تماشاگر، ریتم ترانه‌های شش‌وهشت و حال‌وهوای نوستالژیک، ضعف‌های احتمالی متن را پوشانند. هرقدر فرم نمایشی جذاب باشد، در نهایت این داستان و انسجام روابط میان شخصیت‌هاست که باید مخاطب را تا پایان با خود همراه کند. نمایش «یک شب، هزار شب» نشان می‌دهد هنوز چنان می‌توان با تکیه بر نمایش ایرانی، موسیقی، قصه‌گویی و سیاه‌بازی، تماشاگر امروز را به فضای تئاتر سنتی برد اما در کنار این تلاش ارزشمند، کاش این عناصر در متنی منسجم‌تر کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند و پایان تلخ نمایش با زمینه‌سازی بیشتری شکل می‌گرفت. آن‌وقت شاید فاصله میان «تلاش بسیار» و «آنچه می‌توانست باشد»، کمتر به چشم می‌آمد.

منیژه صالح‌بنا: نمایش «یک شب، هزار شب» به نویسندگی فرهاد نقدعلی و کارگردانی علی یداللهی در تماشاخانه سنگلج، نمایشی است که از همان ابتدا، مخاطب را به فضای دربار قاجار می‌برد؛ جایی که سلطان در آستانه تصمیم‌هایی نظامی و جنگ‌طلبانه، از نقیب‌الممالک می‌خواهد برایش قصه بگوید و نقیب‌الممالک نیز با روایت داستان‌های گوناگون می‌کوشد او را از فرمان حمله منصرف کند. در کنار این موقعیت، گروهی از زندانیانی که سال‌ها در سیاه‌چال گرفتار بوده‌اند، با تکیه بر توانایی‌های‌شان در موسیقی و نمایش، برای سرگرم‌کردن سلطان به اجرا می‌پردازند. انتخاب این بستر، به خودی خود ظرفیت‌های نمایشی فراوانی دارد، زیرا نمایش می‌تواند از دل قصه‌گویی، موسیقی، رقص و سیاه‌بازی، هم فضای مفرح بسازد و هم به رابطه قدرت، زندان، آزادی و سرنوشت آدم‌هایی بپردازد که اختیار زندگی‌شان در دست صاحب قدرت است. «یک شب، هزار شب» نیز از همین ظرفیت‌ها استفاده می‌کند اما مهم‌ترین مسئله‌ای که در طول اجرا به چشم می‌آید، چگونگی پیوندخوردن این عناصر با یکدیگر است. یکی از نقاط قوت نمایش، تلاش آن برای زنده نگه‌داشتن سنت‌های نمایشی ایرانی، به‌ویژه هنر سیاه‌بازی است. حضور سیاه، با ویژگی‌های آشنای این گونه نمایشی، فضای اجرا را از همان ابتدا با خاطره تئاتر سنتی ایران پیوند می‌دهد. بازی بازیگر نقش سیاه و همچنین بازی بازیگر نقش نقیب‌الممالک از نقاط قابل توجه اجراست. در مقابل، بازی سلطان، با وجود توانایی‌های بازیگر جوان این نقش، به اندازه این دو شخصیت متمایزکننده نبود. با این‌حال، به نظر می‌رسد برای شخصیت سیاه می‌شد از بازیگری با قدوقامت متفاوت استفاده کرد، چراکه سیاه در سیاه‌بازی فقط یک شخصیت کمیک نیست، بلکه یک تیپ نمایشی با مختصات مشخص در بیان، حرکت، چهره و رابطه‌اش با دیگر شخصیت‌هاست و فیزیک بازیگر می‌تواند در شکل‌گیری این تیپ مؤثر باشد. موسیقی به‌ویژه نیز یکی از ظرفیت‌های جذاب این اجراست. حضور نوازندگان روی صحنه می‌توانست ارتباط نمایش با سنت اجرایی ایرانی را ژر نزدیک‌تر کند، هرچند در بخش‌هایی احساس می‌شد موسیقی می‌توانست بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و به‌جای آنکه صرفاً همراه اجرا باشد، به یکی از اجزای مؤثر در پیشبرد فضای نمایشی تبدیل شود. اما مهم‌ترین مسئله نمایش، به‌گمانم در ساختار روایی آن شکل می‌گیرد. داستان در بخش‌های میان میانی موقعیت‌ها و روایت‌های مختلف حرکت می‌کند که خط اصلی کشمکش گاهی از دست می‌رود. به نظر می‌رسد نمایش می‌خواهد از هر دری سخنی بگوید؛ از سلطان و نقیب‌الممالک تا زندانیان، سیاه، عشق او به دختر زندانی و حتی رفتن روایت به دانمارک و اشاره‌ای که می‌توان آن را در نسبت با «هملت» دید. مسئله این نیست که نمایش نباید از این

خبر

«پاتریک استوارت» درگذشت

ایستا: «پاتریک استوارت»، بازیگر انگلیسی تئاتر و سینما که نیش از هر چیز با نقش‌هایش به‌عنوان «کاپیتان پیکارد» در «پیش‌تازان فضا» و «پروفیسور اکزاویه» در فیلم‌های «مردان ایکس» شناخته می‌شود، روز چهارشنبه در خانه‌اش واقع در لس‌آنجلس درگذشت. او ۸۶ساله بعدی بود. «استوارت» علاوه بر نامزدی برای چهار جایزه «امی»، سه بار برنده جایزه لارنس اولیویه برای آثار تئاتری خود و یک بار نیز نامزد دریافت جایزه «تونی» شد. زندگی استوارت از سال ۱۹۸۷ و با آغاز حضورش در «پیش‌تازان فضا، نسل بعدی» متحول شد. او در دو دهه پیش از آن، یکی از ستون‌های اصلی «کمپانی رویال شکسپیر» به شمار می‌رفت. او در برخی کارهای سینمایی و تلویزیونی حاضر می‌شد، اما عمده وقتش صرف ایفای نقش در بیش از بیست‌وچند اثر نمایشی کمپانی رویال شکسپیر، ازجمله نمایش‌های «دالی وانیا» (۱۹۷۲)، «روپای شب نیمه تابستان» (۱۹۷۷) و «تاجر ونیزی» (۱۹۷۸) می‌شد. استوارت در تمام طول پخش سریال «پیش‌تازان فضا، نسل بعدی» بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۴ نقش پیکارد را بازی کرد و پس از آن در مجموعه فیلم‌های سینمایی «پیش‌تازان فضا» جلوی دوربین رفت. او همچنین نقش پروفیسور اکزاویه را در فیلم‌های «مردان ایکس» بازی کرد. در عین حال، او در انیمیشن‌های «میمپسون‌ها»، «فمیلی گای» و «امریکن دم» صدایبشگی کرد و اخیراً نیز صدایبشگی شخصیت سر ریچفیلد را در «کارآگاهان کوسفندی» بر عهده داشت.

سفر راکی ادامه دارد: انتخاب به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره قاهره

فیلم «من راکی را بازی می‌کنم» ساخته پیتز فارلی، که وقایع ساخت فیلم کلاسیک «راکی» در سال ۱۹۷۶ را روایت می‌کند، قرار است چهل‌وهفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم قاهره را در ماه نوامبر افتتاح کند. انتخاب این فیلم با این واقعیت مرتبط است که قدیمی‌ترین جشنواره فیلم مصر، پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را نیز جشن می‌گیرد. هرچند این جشنواره که سال ۱۹۷۶ آغاز به کار کرد، در واقع تاکنون ۴۷ دوره برگزار شده است. این فیلم زندگینامه‌ای که پیتز فارلی آن را ساخته است، به اندازه فیلم اصلی «راکی» الهام‌بخش است و در ماه سپتامبر در جشنواره فیلم تورنتو با حضور آنتونی ایوبلیو، پیتز فارلی، کیکي ستو و استقان جیمز به نمایش درآمد. در این فیلم زندگی‌نامه‌ای، آنتونی ایوبلیو در نقش سیلوستر استالونه جوان بازی می‌کند که برای تثبیت خود در هالیوود و آوردن پروژه مورد علاقه‌اش «راکی» به پرده بزرگ تلاش می‌کند. «من راکی را بازی می‌کنم» در جشنواره فیلم تورنتو با نمایش در بخش جایزه انتخاب مردمی به مقام دوم رسید و در ادامه مسیرش جایزه تماشاگران را در جشنواره فیلم ونکوور و جایزه بهترین فیلم بلند از نگاه تماشاگران را در جشنواره فیلم سینه‌فست کانادا از آن خود کرد. این فیلم همچنین برای نمایش غافلگیرکننده در جشنواره فیلم لندن انتخاب شد و در جشنواره‌های فیلم رم، زوریخ و شیکاگو و همچنین در مؤسسه فیلم آمریکا به نمایش درآمد. جشنواره قاهره در بیانیه‌ای اعلام کرد با انتخاب فیلم «من راکی را بازی می‌کنم» به عنوان فیلم افتتاحیه، به تعهد خود برای نمایش سینمایی که شایستگی هنری را با جذابیت مخاطب ترکیب می‌کند، وفادار می‌ماند و در عین حال توجه را به خود فرآیند فیلم‌سازی و چالش‌های شخصی و اخلاقانه پشت پرده داستان‌ها معطوف می‌کند.

آگهی دعوت مجمع عمومی نوبت اول

انجمن صنفی کارفرمایان نمایندگان بیمه دانا شهرستان ساوه و زندنیه
اولین مجمع عمومی عادی انجمن صنفی مذکور روز سه شنبه مورخ ۱۳۰۵/۰۹/۱۷ ساعت ۱۰ صبح در محل شعبه بیمه دانا ساوه به آدرس ساوه، خیابان مطهری، بین مطهری ۵ و ۳ برگزار می گردد.
از کلیه نمایندگان محترم بیمه دانا تحت نظارت شعبه ساوه دعوت می شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.
ضمناً داوطلبین کاندیداتوری هیئت مدیره و بازرسین درخواست و مدارک خود را حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۱۰/۰۹/۱۴۰۵/۱۳ به دفتر انجمن واقع در شهرک فجر، بلوار شهید یعقوبی، نبش یعقوبی ۷، نمایندگی بیمه دانا آرش یاری تحویل نمایند.

مدارک مورد نیاز جهت داوطلبین کاندیداتوری:

۱ – درخواست کتبی کاندیداتوری هیئت مدیره و یا بازرسان انجمن
۲ – گواهی عدم سو، پیشینه
۳ – گواهی عدم اعتیاد
۴ – کپی کارت ملی
۵ – کپی پروانه نمایندگی (اعتبار دار)
دستور جلسه:
۱ – گزارش عملکرد بازرس ۲ – گزارش عملکرد هیئت مدیره ۳ – انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره و بازرسان
انجمن صنفی کارفرمایان نمایندگان بیمه دانا شهرستان ساوه و زندنیه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
شرکت پیکاران عرصه (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۰۰۹۲۲ و شماره ملی ۱۰۲۶۰۱۱۶۰۹۸
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می شود تا در جلسه مجمع فوق العاده که در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ روز یکشنبه در محل اصلی شرکت به آدرس میدان انقلاب، خیابان جمالزاده شمالی، خیابان فرمت شیرازی، کوچه پیرنیا، پلاک ۳ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه: انتخاب اعضای هیئت مدیره

برگ سبز و سند کمپانی سمند EF۷ سفید مدل ۱۳۹۰
به شماره پلاک: ۳۰۰ایران ۹۴۶۹۷
شماره شاسی: NAACJ۱JC۷BF۲۸۹۲۸۴
و شماره موتور: ۱۴۷۹۰۰۱۳۴۴۵
به نام افشین نیکان با کدملی ۶۴۰۰۵۱۹۵۳
در ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت خودروی را سفید مدل ۱۴۰۵
به شماره پلاک ۱۵ایران ۹۵۲ی ۷۱
شماره شاسی: NAAV۱CHJETDP۷۲۸۵۴
و شماره موتور: ۱۵۳H۰۳۰۸۶۶۷
به نام فرهاد یوسفی لامع با کد ملی ۱۳۷۵۷۲۷۰۱۱
در ۱۴۰۵/۰۵/۱۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز توپوتا cc اربون ۳۵۰۰
خاکستری متالیک مدل ۲۰۱۰ به شماره پلاک ۱۶ایران ۵۳۴ی ۶۷
شماره شاسی: ۶T۱Bk۴۰k۶AX۹۲۸۲۴۰۰
و شماره موتور: ۲GR۰۶۹۸۲۰۴
به نام بهرام خلجی با کدملی ۳۸۶۶۷۴۵۳۱
در ۱۴۰۵/۸/۱ مفقود شده و فاقد اعتبار است.